

مفاهیم «مرگ» و «زندگی» در صحیفه سجادیه

از منظر استعاره مفهومی

الهام ایزدی *

لیلا هاشمیان **

نسیم محتشمی راد ***

چکیده

درک مفاهیم انتزاعی برای انسان بدون بهره‌گیری از مفاهیم عینی بحث‌برانگیز است. به همین منظور، زبان انسان از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای زبانی انسان که به طور گسترده‌ای در زبان او نهادینه شده، استعاره مفهومی است. «مرگ» و «زندگی» از جمله مفاهیم انتزاعی محسوب می‌شود که انسان برای تبیین آن از حوزه‌های عینی بهره می‌گیرد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه کتاب‌خانه‌ای انجام شده و در صدد است نشان دهد کدام استعاره‌های مفهومی در حوزه مقصد مرگ و زندگی در صحیفه سجادیه به کار رفته و مهم‌ترین حوزه مبدأ برای این دو مفهوم در این کتاب ارزشمند چیست. نتایج بررسی دقیق دعاهای صحیفه سجادیه نشان می‌دهد در مجموع ده حوزه برای این دو مفهوم شناسایی شده که از این تعداد، هفت حوزه به مرگ و سه حوزه به زندگی اختصاص دارد. پُرکاربردترین حوزه‌های مبدأ برای این دو مفهوم، استعاره‌های «سفر» و «مقصد» بوده است که نشان می‌دهد مفاهیم «مرگ» و

* دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول: e.izadi@alumni.basu.ac.ir).

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (l.hashemian@basu.ac.ir).

*** دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی کاربردی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (n_mohtashmirad@sbu.ac.ir).

«زندگی» در صحیفه سجاده تناسب و تناظر هدفمندی دارند. بر اساس این مفاهیم، زندگی مسیری است برای رسیدن به هدف نهایی که همان آخرت است.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، مرگ، زندگی، صحیفه سجاده، شناختی.

مقدمه

مرگ و زندگی از جمله مهم‌ترین مسائلی است که انسان در طول حیات خود به آن توجه می‌کند و درباره‌اش می‌اندیشد. میل به بقا و ترس از فنا موجب شکل‌گیری نگرش‌هایی می‌شود که مرگ را پدیده‌ای منفی و تهدیدکننده در نظر می‌گیرند. نگاه افراطی به مرگ می‌تواند به پوچی و بی‌معنایی زندگی منتهی شود، در حالی که نگرش افراطی به زندگی، به تضعیف مفهوم «مرگ» و «زندگی پس از مرگ» در ذهن انسان می‌انجامد. آموزه‌های دینی، انسان را به تفکر درباره هدف آفرینش، حیات و معاد سوق می‌دهد. بدین ترتیب فرد با تعادلی در نگرش خود به زندگی و مرگ مواجه می‌شود که هم‌زمان حیات طیبه و تفکر به معاد را تقویت می‌کند. در این زمینه، کتب دینی و معنوی مانند قرآن کریم، صحیفه سجاده، و نهج البلاغه نقش اساسی در شکل‌دهی تفکر انسانی و هدایت او ایفا می‌کند و آرامش و انگیزه‌ای توأم به ارمغان می‌آورد.

مفاهیمی چون «مرگ»، «زندگی»، «غم»، «شادی» و «خشم»، مفاهیمی انتزاعی و وابسته به احساسات‌اند که توضیح و توصیفشان برای انسان دشوار است. با توجه به اینکه درک مفاهیم ملموس و عینی برای انسان آسان‌تر است، او برای توصیف مفاهیم انتزاعی از استعاره‌های مفهومی^۱ استفاده می‌کند. استعاره‌های مفهومی به عنوان ابزار زبانی، مفاهیم ذهنی و انتزاعی را به صورت تصویری و عینی بیان می‌کنند و بدین ترتیب امکان درک آسان‌تر مفاهیم پیچیده را فراهم می‌آورند. این استعاره‌ها در تمامی زبان‌ها وجود دارند و گویشوران،^۲ ناخودآگاه، از آن‌ها بهره می‌برند. همچنین، نویسندگان برای ملموس کردن مقاصدشان و تأثیرگذاری بیشتر، از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کنند.

1. conceptual metaphor

۲. منظور از گویشوران افرادی هستند که به زبان مادریشان صحبت می‌کنند و این زبان را از بدو تولد در محیط پیرامونشان فرا می‌گیرند. «بَلْ تُؤْتُونَهُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَ أَلْبَقَى».

یکی از منابع معتبر شیعی، کتاب صحیفه سجادیه است که در آن به طور خاص به مفاهیم «مرگ» و «زندگی» پرداخته شده است. بررسی این مفاهیم در این کتاب، به ویژه به دلیل ارتباط آن‌ها با هدف آفرینش و حیات انسان، اهمیتی ویژه دارد. پژوهش حاضر استعاره‌های مفهومی در زمینه مرگ و زندگی در صحیفه سجادیه را بررسی می‌کند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی استعاره‌های مفهومی مرتبط با این دو مفهوم در این کتاب و تعیین حوزه‌های مختلف این استعاره‌هاست. به طور کلی، هدف این تحقیق تحلیل چگونگی بیان مفاهیم «مرگ» و «زندگی» در کلام امام سجاد (ع) با استفاده از استعاره‌های مفهومی در صحیفه سجادیه است. پرسش‌های اصلی چنین است:

- کدام استعاره‌های مفهومی در حوزه مرگ و زندگی در صحیفه سجادیه وجود دارد؟
- حوزه‌های مبدأ برای مفاهیم «مرگ» و «زندگی» چیست؟
- علت کاربرد این حوزه‌ها چیست؟

برای تحقق اهداف مذکور، پژوهش حاضر استعاره‌های مفهومی در صحیفه سجادیه را تحلیل می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش و اهمیت آن

در زمینه مطالعات مرتبط با صحیفه سجادیه، پژوهش‌های متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت این کتاب در میان محققان است. با این حال، پژوهش‌های محدودی صحیفه سجادیه را از منظر استعاره‌های مفهومی تحلیل کرده‌اند. اولین پژوهش در این حوزه، با رویکرد شناختی، به بررسی ترجمه انگلیسی این کتاب توجه دارد. پژوهش دوم، دو ترجمه از صحیفه سجادیه را به صورت مقایسه‌ای تحلیل کرده است. پژوهش سوم نیز ابتدا مفاهیم «مرگ» و «زندگی» را از دیدگاه مولانا و صحیفه سجادیه بررسی کرده و سپس پژوهش‌های انجام‌شده درباره مفهوم «مرگ» در صحیفه سجادیه را کاویده است. البته این پژوهش‌ها به طور خاص صرفاً بر مفهوم «مرگ» تمرکز داشته‌اند و رویکرد شناختی در آن‌ها مد نظر نبوده است.

غلامی برسمنانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود ترجمه استعاره‌های صحیفه سجادیه را در نمونه‌های انگلیسی بررسی کرده است. همچنین، ترجمه‌های چیتیک (Chittick, 2008, vol 1: 15) و موهانی (Muhani, 1984, vol 1: 14) از صحیفه سجادیه را با توجه به آرای رومن یاکوبسون (Jakobson & Halle, 1956, vol. 1: 90) بررسی کرده و ۵۶ استعاره از این کتاب را برگزیده‌ایم.

نتایج نهایی پژوهش نشان می‌دهد چیتیک (Chittick, 2008, vol. 1: 15) به ترجمه استعاره‌ها وفادارتر بوده و در نهایت متن ترجمه او ادبی‌تر است.

شادمان و همکاران (۱۴۰۰) ترجمه صحیفه سجادیه را با رویکرد شناختی استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (Lako.. & Johnson, 2003, vol. 1: 44) بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، دو ترجمه مشهور و معاصر از این کتاب برگزیده شده و با استخراج استعاره‌ها عملکرد این دو مترجم نقد شده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد اگرچه رویکرد متفاوتی در انتقال مفاهیم استعاری داشته‌اند، اما موفقیت هر دو مترجم یکسان بوده است. تفاوت اصلی در کار دو مترجم میزان خلاقیت ادیب و گاه ترجمه بدون استعاره الهی قمشه‌ای بوده است. تصدیقی (۱۴۰۱) در پژوهش شناختی خود، صحیفه سجادیه و مثنوی مولانا را از منظر زندگی و مرگ بررسی کرده و رویکردی مقایسه‌ای و مقابله‌ای دارد. در این پژوهش استعاره‌های مشابه این دو کتاب استخراج و مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد نمود این دو مفهوم درهم‌تنیده است.

پژوهش‌هایی که به مفهوم «مرگ» و «زندگی» بدون در نظر گرفتن استعاره‌های مفهومی و رویکرد شناختی پرداخته‌اند پرشمارترند. دریابگی (۱۳۹۱) اندیشه مرگ را در این کتاب با نگاهی مثبت همراه می‌داند و آن را مطلوب می‌پندارد. دده‌بیگی (۱۳۸۹) نیز «مرگ» را در این کتاب مفهومی به دور از وحشت می‌خواند. در این کتاب زندگی و مرگ فراتر از زندگی و مرگ ظاهری است که با رویکردی قرآنی به آن اشاره شده است. پژوهش‌ها درباره مرگ و زندگی در مطالعات پژوهشگران راجع به پیکره‌های غیردینی طیف گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. شریفی مقدم (۱۳۹۸) استعاره مفهومی مرگ را در قالب نظریه تصویرگونگی بررسی کرده و حوزه‌های مبدأ این مفهوم را به تفصیل شرح داده است. در میان پژوهش‌ها حوزه نظم هم بی‌نصیب نمانده و مفهوم «مرگ» و استعاره مفهومی در این آثار هم به چشم می‌خورد، از جمله در شعبانلو (۱۳۹۸)، عباسی و خسروی (۱۳۹۶) و آریان و تلخابی (۱۳۹۹). درباره مفهوم «زندگی» هم می‌توان به پژوهش اسداللهی و عبدی (۱۳۹۶) اشاره کرد که استعاره‌های مفهومی زندگی را در اشعار فروغ فرخ‌زاد بررسی کرده‌اند. علاوه بر آن، بنی‌عصار (۱۳۹۶) استعاره مفهومی زندگی را با توجه به حوزه مبدأ «زندگی تجارت است» در قرآن کریم کاویده است.

در پژوهش‌هایی که در زمینه استعاره و صحیفه سجاده انجام شده، استعاره‌ها به طور عام بررسی شده و به جنبه‌های موضوعی آن‌ها توجه خاصی نشده است. به عبارت دیگر، در این پژوهش‌ها به موضوعات خاصی پرداخته نشده و فقط استعاره‌ها استخراج شده است. در مقابل، استعاره‌های موضوعی در قرآن کریم و سایر کتاب‌های ادعیه به طور خاص بررسی شده که خارج از دامنه این پژوهش است. تنها پژوهش مرتبط با این موضوع، مقاله تصدیقی (۱۴۰۱) با عنوان «بررسی تطبیقی مفاهیم مرتبط با زندگی و مرگ در صحیفه سجاده و مثنوی مولانا از منظر شناختی» است که رویکردی تعلیمی و مقایسه‌ای دارد و تصویری کلی از حوزه مبدأ در این زمینه ترسیم نمی‌کند. از سوی دیگر، پژوهش‌های مرتبط با مفهوم «مرگ» و «زندگی» از منظر استعاره هم به طور خاص تحلیل نشده است. بنابراین، می‌توان گفت پژوهش حاضر در زمینه موضوعات خاص با رویکرد شناختی در کتاب ارزشمند صحیفه سجاده نوآورانه است.

انسان به طور فطری طالب حیات، بقا و آرامش است. از این رو مفاهیم «مرگ» و «زندگی» همواره از مسائل بنیادین اندیشه بشری بوده است. این دو مفهوم نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند تکامل انسان دارند و درک عمیق و صحیح‌شان ضروری است. هر گونه افراط یا تفریط در فهم این مفاهیم می‌تواند مسیر تکامل انسان را مختل کند. قرآن کریم و کتب ادعیه، از جمله صحیفه سجاده، در این زمینه تأثیرگذارند. پژوهش حاضر، با رویکرد استعاره‌های مفهومی، دیدگاه امام سجاد (ع) را درباره مرگ و زندگی بررسی، و شیوه‌های بیانی این مفاهیم را در صحیفه سجاده تحلیل می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، روشن‌سازی تأثیر این مفاهیم بر فهم عمومی و تسهیل درک آن‌هاست.

۲. شیوه پژوهش

برای تحلیل استعاره‌های مفهومی در کتاب صحیفه سجاده، ابتدا تمامی این کتاب دعا را بررسی کردیم. در ترجمه فارسی کتاب، استعاره‌های مرتبط با دو مفهوم «مرگ» و «زندگی» استخراج شد. بنابراین، گزینشی عمل نکردیم و تمامی منبع را بررسی کردیم. علاوه بر آن، به منظور بررسی دقیق‌تر، سه نسخه ترجمه، به قلم سید کاظم ارفع، حسین انصاریان و محمدمهدی رضایی، بررسی شد. پس از استخراج تمامی استعاره‌های مفهومی در این زمینه، حوزه‌های مبدأ آن بر اساس آرای کوچش (Ibid.) مشخص شد.

۳. استعاره مفهومی

معناشناسی شناختی حوزه‌ای بود که با ظهور خود، استعاره را از اختصاص مطلق به زبان ادبی جدا کرد و آن را جزئی از ادراک انسان و جزء لاینفک تفکر او به شمار آورد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۵۰/۱؛ سجودی و قنبری، ۱۳۹۱). استعاره مفهومی یکی از مباحث اساسی در زبان‌شناسی شناختی است که نخستین بار لیکاف و جانسون (Lako.. & Johnson, 1980, vol. 1: 90) در کتاب استعاره‌هایی که باور داریم (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۲۰۲/۱) مطرح کردند. بر اساس این نظریه، استعاره صرفاً آرایه‌ای ادبی نیست، بلکه بخشی بنیادین از نظام شناختی انسان است که تفکر و درک مفاهیم انتزاعی را از طریق مفاهیم عینی و تجربی ممکن می‌کند. کوچش (Kövecses, 2002, vol. 1: 15) نیز در کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره (کوچش، ۱۳۹۳: ۲۰/۱) انواع استعاره‌های مفهومی و نقش آن‌ها در فرآیندهای زبانی و شناختی را بررسی کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد استعاره‌ها در تمامی ابعاد زبان و اندیشه بشر حضور دارند و بر نحوه درک، بیان و تجربه ما از جهان پیرامون تأثیر می‌گذارند.

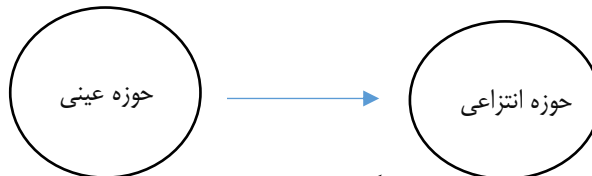
ادراک حوزه‌های مفهومی از طریق حوزه‌های عینی تحت عنوان «استعاره مفهومی» شناخته می‌شود. بدین ترتیب عبارات و اصطلاحاتی که در مفاهیم عینی ریشه دارند، در زمره استعاره‌های مفهومی قرار می‌گیرند. در استعاره مفهومی، انتقال مفهوم از حوزه مبدأ (عینی) به حوزه مقصد (انتزاعی) صورت می‌گیرد (Lako.. & Johnson, 1980, vol. 1: 90). سخن‌گفتن درباره اندیشه‌های انسانی، که در حوزه مفاهیم انتزاعی قرار دارند، بدون استفاده از مفاهیم عینی دشوار و تقریباً ناممکن است. بنابراین، نگارش استعاری از قلمرو مقصد به قلمرو مبدأ انجام می‌گیرد. به اعتقاد تریم (Trim, 2011, vol. 1: 25)، فرآیندهای مفهوم‌سازی از طریق حواس ادراکی صورت می‌پذیرد. استعاره نمی‌تواند صرفاً به مقوله‌ای محدود به واژه‌ها کاهش یابد، بلکه فرآیندهای استعاری در تفکر انسانی هم وجود دارند (Lako.. & Johnson, 1980, vol. 1: 83). در رویکرد شناختی، استعاره، جزئی اساسی و اجتناب‌ناپذیر از نظام مفهومی ذهن انسان در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه با رویکرد سنتی تفاوت اساسی دارد. در دیدگاه سنتی، استعاره نوعی ویژگی صرفاً کلامی و آرایه‌ای تزیینی در نظر گرفته می‌شد. بر اساس توضیحات فوق، عبارات حاوی استعاره در گفتار انسان، بازتاب استعاره‌های مفهومی موجود در ذهن او هستند. لذا می‌توان گفت انسان تفکری استعاری دارد (Deignan, 2005, vol. 1: 53).

در علوم قرآنی، استعاره مفهومی قرابت معنایی با تشبیه معقول به محسوس، تشبیه مشبه معقول به مشبه به محسوس است. «بیان» در لغت به معنای وسیله‌ای است که باعث توضیح دادن و آشکار شدن چیزی می‌شود: «مَا بَيَّنَّ بِهِ الشَّيْءُ مِنَ الدَّلَالَةِ وَغَيْرِهَا» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۱-۶۷) و در اصطلاح زبان‌شناسی شامل چهار صنعت تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه می‌شود (برکات و کیانی نیا، ۱۴۰۲). تشبیه، به اعتبار حسی و عقلی بودن دو طرف آن (مشبه و مشبه به) چهار قسم است. یک نوع آن تشبیه معقول به محسوس، یعنی معقول بودن مشبه و محسوس بودن مشبه به است؛ مثلاً در آیه «مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا» (جمعه: ۵) مقصود از حمل تورات، حمل به دوش و شانه نیست، بلکه عمل و قیام به مندرجات آن است که امری معقول و معنوی است، و بار بردن حمار محسوس است.

مطالعات استعاره پیشینه‌ای بنیادی در معناشناسی شناختی دارد و به طور کلی اشاره به مشابهت میان دو شیء است که مشخصه مشابهی دارند؛ مثلاً استعاره «زندگی سفر است» یکی از حوزه‌های مبدأ پُر کاربرد برای مفهوم زندگی است: «او در راه زندگی، سختی‌های بسیار از سر گذرانده است». حوزه‌های عینی که در استعاره‌های مفهومی استفاده می‌شود، طیف گسترده‌ای دارد. این حوزه‌ها ملموس‌اند و درکشان راحت‌تر است (Lakoff, 1987). هاینه و همکاران (Heine and et al, 1991, vol. 1: 55) با بررسی دقیق حوزه‌های مبدأ، سلسله‌مراتبی را برای این حوزه‌ها مطرح می‌کنند:

شخص (اعضای بدن) < شیء < فعالیت و وضعیت < مکان < زمان < کیفیت

میزان عینی بودن این سلسله‌مراتب هم متفاوت است و آخرین بخش (سمت چپ) از کمترین میزان عینیت برخوردار است. پس مفاهیم انتزاعی با بهره‌گیری از مفاهیم عینی مطرح می‌شوند. نمونه بارز آن کاربرد اعضای بدن یا مکان برای بیان زمان است (نغزگوی کهن و داوری، ۱۳۹۳: ۱۷۴/۱)، مثلاً «سر ساعت آنجا باش». تجسم عینی استعاره‌های مفهومی در زیر نشان داده شده است:



شکل ۱: استعاره مفهومی

کوچش ضمن بررسی حوزه‌های مبدأ (Kövecses, 2002, Vol. 1: 15) متداول‌ترین حوزه‌های

مبدأ و مقصد را در استعاره‌های مفهومی مطرح کرده است که عبارت‌اند از:

جدول ۱: حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره مفهومی

حوزه‌های مبدأ	حوزه‌های مقصد
اعضای بدن	احساس
سلامتی و بیماری	امیال
گیاهان	اخلاق
جانوران	تفکر
ساختمان و بناها	جامعه
ابزار و ماشین‌آلات	سیاست
ورزش و بازی‌ها	اقتصاد
پول و معاملات اقتصادی	روابط انسانی
آشپزی و غذا	ارتباط
گرما و سرما	زمان
تاریکی و روشنایی	زندگی و مرگ
نیروها	مذهب
حرکت و جهت‌ها	رخدادها و فعالیت‌ها

۴. تحلیل استعاره‌های مفهومی مرگ و زندگی در صحیفه سجاده

۴.۱. مرگ

مرگ اتفاقی انکارناپذیر و حتمی در زندگی بشر است. از لحاظ فلسفی، پذیرش زندگی به معنای قبول مرگ است. تأمل در مرگ و تفسیر و توضیح آن، طیف گسترده‌ای از مطالعات را به خود اختصاص می‌دهد. هر

گونه تفکر نادرست و غیر منطقی درباره آن بر کیفیت زندگی انسان تأثیر می‌گذارد (قائمی و واعظی، ۱۳۹۳). بنا بر توضیحات فوق، مرگ و زندگی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و تأمل در مرگ و زندگی پس از آن، بر اعمال انسان در این دنیا اثرگذار است. اگر انسان به مرگ و آخرت معتقد باشد ناملايمات زندگی دنیوی برایش نیکوتر خواهد شد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲). قرآن کریم می‌فرماید: «ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است»^۱ (اعلی: ۱۶-۱۷). پرهیز از غفلت از مرگ و بی‌توجهی به آن در سخنان امامان معصوم هم هویدا است. امام علی (ع) می‌فرماید: «شما را وصیت می‌کنم که مرگ را یاد کنید و از مرگ غافل نشوید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸).

در صحیفه سجاده نیز مفهوم «مرگ» و مرگ‌اندیشی ذکر شده است. امام سجاد (ع) ضمن بیان درخواست خداوند برای توجه دائمی به مرگ، از خدا می‌خواهد عمل صالح را در برابر او قرار دهد که باعث مرگی «آسان» برایش باشد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲): «ما را آن‌گونه به انجام دادن کارهای شایسته موفق کن که بازگشتمان به سوی تو را کند پنداریم و در رسیدن به کوی تو حریص‌تر شویم؛ بدان پایه که مرگ برای ما خانه آرامشی شود که در آن بیاساییم و جایی دوست‌داشتنی که مشتاقانه بدان درآییم و خویشاوندی که نزدیک‌شدن به او را دوست بداریم»^۲ (رضایی، ۱۳۹۷/۱: ۱۳۹). در این بخش از صحیفه سجاده، مرگ به خانه تشبیه شده و از استعاره مفهومی برای تبیین دقیق‌تر معنای «مرگ» استفاده شده است. حوزه مبدأ در این استعاره، «مرگ مکان است» تعریف شده که نشان‌دهنده یکی از کاربردهای برجسته مفاهیم عینی در توصیف مفاهیم انتزاعی است. همان‌گونه که هدف اصلی استعاره، تسهیل درک مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی است، در صحیفه سجاده نیز مفهوم «خانه» به عنوان مکانی ملموس برای مخاطب به کار گرفته شده تا معنای انتزاعی مرگ را فهم‌پذیرتر کند. در این تعبیر، مرگ همانند خانه یا مکانی برای آرامش تصویر شده و به همین منظور، از اصطلاح «مأنس» هم استفاده شده است که بر جنبه آرامش‌بخشی و مأوای نهایی بودن مرگ تأکید دارد.

۱. «بَلْ تُؤْتُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَ أَبْقَى».

۲. «وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَ نَحْرُصُ لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسًا الَّذِي نَأْتُسُ بِهِ، وَ مَأْلَفْنَا الَّذِي نَشْتَأِقُ إِلَيْهِ، وَ حَامَمْنَا اللَّيِّ نَحْبُ الدُّنُو مِنْهَا».

نمونه دیگری از کاربرد استعاره مفهومی برای مرگ چنین است: «و آنگاه که روزهای زندگی‌مان سپری گشت و رشته عمرهایمان گسسته شد»^۱ (ارفع، ۱۳۸۶: ۱۹۷/۱). در این نمونه، سفر آخرت یا مرگ با عنوان «رشته» بیان شده است که قابلیت گسستن دارد. مرگ در این نمونه با حوزه مبدأ «مرگ شیء است» مطرح شده است. نگاه کردن به مرگ و زندگی در قالب شیء نشان از ارزش معنویات در نگاه امامان دارد.

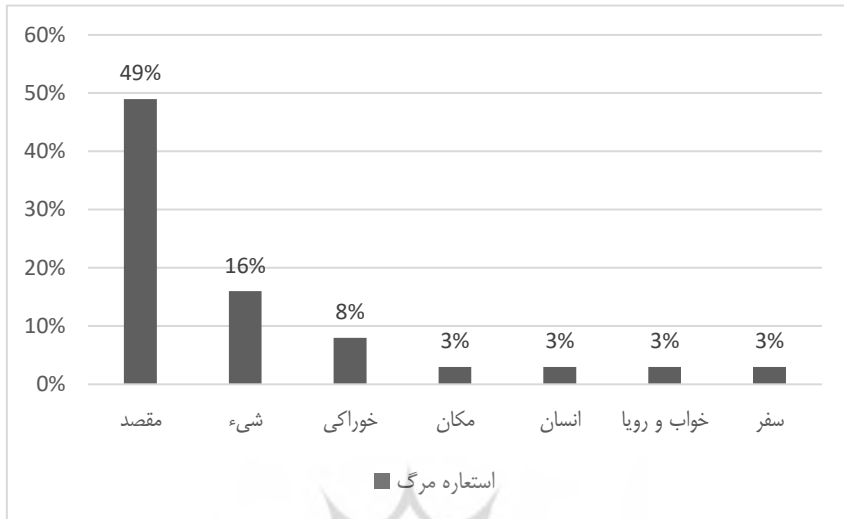
به منظور شناسایی استعاره‌های مفهومی مرتبط با مرگ، عبارات حاوی این مفهوم استخراج شد و سپس حوزه‌های مبدأ مرتبط با این مفهوم تعیین گردید. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد استعاره‌های مفهومی مرگ در صحیفه سجاده در هفت حوزه مبدأ دسته‌بندی می‌شود که به همراه نمونه‌ای عبارت‌اند از:

• حوزه‌های مبدأ مرگ

- ۱) مرگ شیء است (مرگ را در چشمانش قرار ده).
- ۲) مرگ مکان است (مرگ جای انس ما باشد).
- ۳) مرگ انسان است (مرگ را به سراغ ما فرستادی).
- ۴) مرگ خوراکی است (همگی مزه مرگ را خواهند چشید؛ آمیخته به زهر مرگ است).
- ۵) مرگ خواب و رؤیاست (از خواب مرگ بیدار می‌کند).
- ۶) مرگ سفر است (مرگ بدون توشه).
- ۷) مرگ مقصد است (به دورترین باقی مانده پایان زندگی اش برسد).

بدین ترتیب بسامد حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی در صحیفه سجاده چنین است:

۱. «وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا».



نمودار ۱: بسامد حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی مرگ در صحیفه سجادیه

تحلیل نمودار نشان می‌دهد «مرگ مقصد است» بالاترین بسامد را در میان حوزه‌های مبدأ مرتبط با مرگ دارد. پس از آن، به ترتیب «مرگ شیء است» و «مرگ خوراکی است» بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در مقابل، حوزه‌های مبدأ «مرگ مکان است»، «مرگ انسان است»، «مرگ خواب و رویاست» و «مرگ سفر است» بسامد یکسان دارد و در پایین‌ترین بخش نمودار قرار گرفته است. چه بسا این پرسش پیش بیاید که تفاوت میان دو حوزه «مرگ مکان است» و «مرگ مقصد است» چیست. اگرچه این دو استعاره از نظر مفهومی به یکدیگر نزدیک‌اند، اما از دیدگاه معناشناسی، دو حوزه مبدأ متمایز تلقی می‌شوند. «مقصد» نقطه پایان مسیر تلقی می‌شود و ماهیت پویاتری دارد، در حالی که «مکان» موقعیت ثابتی در نظر گرفته می‌شود. دو جمله «من در همدان هستم» و «من رفتم تهران» را در نظر بگیرید. این دو مثال از فارسی گفتاری انتخاب شده است (Haig & Rasekh-Mahand, 2020).^۱ در جمله اول معنای «مکان» استفاده شده، و در جمله دوم معنای «مقصد». همان‌طور که از ترتیب کلمات در جملات مشخص است،

۱. پروژه پیکره گفتاری زبان فارسی با نام «هم‌بام» که زیر نظر محمد راسخ مهند از دانشگاه بوعلی سینا همدان و جفری هیگ از دانشگاه بامبرگ آلمان در حال انجام است، به نشانی: <https://multicast.aspra.uni-bamberg.de/resources/hambam/>

مقصد در پایان زنجیره گفتار و حتی در جایگاه پس از فعل واقع شده است. در خصوص مفهوم «مرگ» نیز، حوزه مبدأ «مرگ مقصد است» با داشتن بیشترین بسامد در جایگاه نخست واقع شده است. مرگ نقطه پایان زندگی و مقصد دانسته شده است. کاربرد این عبارت در این معنا، مفهوم انتزاعی «مرگ» را به خوبی و روشنی بیان می‌کند و برای مخاطب درک بهتری دارد.

۲.۴. زندگی

حیّ (الحيّ)، از اسماء الاهی و به معنای زنده و متضاد «میّت» است. حی بودن خدا به این معناست که مرگ و نیستی بر او روا نیست. راغب اصفهانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۵/۱) از میان وجوه متعددی که برای حیات ذکر کرده، یک وجه را وصف مختص خدا دانسته و در توضیح آن گفته است که اطلاق «حیّ» به خدا به این معناست که (فرض) مرگ درباره او صحیح نیست. فلاسفه معنای حی را درآک فعال می‌دانند و چون درک و فعل نیز نسبی و اضافی‌اند، حیات صفتی مغایر با علم و قدرت نخواهد بود. طباطبایی می‌گوید: «حیات یک قسم وجودی است که علم و قدرت از آن ترشح می‌گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۶)؛ به نظر مطهری «حیات، فعلیت و ظهور قدرت و نیروی ذاتی است که برای ظهور صفات اعتبار می‌گردد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۹۲). در فرهنگ دهخدا (دهخدا، ۱۳۵۴: ۱۰۵/۱) زندگی یا حیات به معنای زندگانی و زنده بودن مطرح شده و دربرگیرنده معیشت و معادلهایی شبیه آن است. در این معنا زندگی در تناقض با مرگ است و نقطه مقابل آن محسوب می‌شود. در این صورت برخلاف مرگ که آرام‌گرفتن و خوابیدن است، زندگی پویایی همراه با رشد و پرورش است که با احساسات و تحرکات توأم است. از تحلیل این دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که زندگی، با وجود پویایی ذاتی‌اش، عاملی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و صفات انسانی است و توجه به آن اهمیت ویژه دارد. در این چارچوب، زندگی مفهومی انتزاعی محسوب می‌شود که در سه بُعد هدف زندگی، کارکرد زندگی و ارزش زندگی درخور بررسی است (قائمی و واعظی، ۱۳۹۳). تحقق این سه مستلزم توجه آگاهانه به زندگی است؛ در غیر این صورت، زندگی فاقد معنا و ارزش تلقی خواهد شد. همچنین، عملکرد انسان در دست‌یابی به این اهداف نقش اساسی دارد و از ابعاد وجودی اوست که بر آن تأکید می‌شود.

در صحیفه سجادیه هم دعاهایی درباره زندگی وجود دارد که نشان از دیدگاه امام سجاد (ع) در این زمینه است، از جمله عبارت زیر که در آن مفهوم «زندگی» همچون راه دانسته شده است: «خدا یا! مرا به بهترین راه ببر، و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم» (صحیفه سجادیه، دعای

بیستم).^۱ در این دعا، امام سجاد (ع) از زندگی و مرگ با تعبیر «راه» یاد کرده‌اند که بهتر است با توجه به معنای دعا، آن را به «سفر» یا «مسیر» مرتبط کنیم. در این نمونه، زندگی همچون راه یا سفری تصور شده است که انسان در آن گام برمی‌دارد و در نتیجه به مقصد نهایی می‌رسد. نمونه دیگر از به‌کارگیری واژه‌های «مسیر» و «راه» برای بیان مفهوم «حیات و زندگی» این است: «و در زمین او از پی به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخیر و سریع دنیای آن‌هاست، و نیز رسیدن به منفعت دائمی آخرتشان به راه افتند» (همان: دعای ششم).^۲ در این دعا زندگی مسیر و سفری دانسته شده است که به مقصد نهایی ختم می‌شود و هدف غایی‌اش رسیدن به خداست. امام سجاد (ع) برای تأثیرگذاری و بیان واضح زندگی و تفسیر معنا و مفهومش برای عموم مردم، از تعبیری چون «مسیر» و «راه» بهره گرفته است. از این طریق، خوانندگان این کتاب با این استعاره‌های مفهومی برای مفهوم انتزاعی زندگی، درک عمیق‌تر و بهتری از آن خواهند داشت و استفاده از مفهوم عینی «مسیر» و «سفر» به دریافت معنای انتزاعی زندگی کمک خواهد کرد.

نمونه دیگری از کاربرد «حیات و زندگی» همراه با استعاره‌های مفهومی این جمله است: «دشواری‌ها به لطف تو آسان شود و وسایل زندگی و اسباب حیات به رحمت تو فراهم آید و قضا به قدرتت جریان گیرد و همه چیز به اراده تو روان شود» (همان: دعای هفتم).^۳ در این دعا، از تعبیری همچون «وسایل» و «اسباب» برای تبیین مفهوم «زندگی» استفاده شده است. یکی از حوزه‌های مبدأ پُرکاربرد در استعاره‌های مفهومی، «شیء» است. در صحیفه سجاده نیز از این حوزه مبدأ برای بیان مفهوم انتزاعی «زندگی» بهره گرفته شده است. به نظر می‌رسد علت اصلی کاربرد این حوزه، تشبیه زندگی به شیء و تأکید بر ماهیت فناپذیر آن باشد. در این چارچوب، زندگی همچون شیئی تلقی شده است که به جهان مادی و فانی متعلق است و هدف از آن، رسیدن به مقصد نهایی است؛ همان‌گونه که هر شیء، به منظور تأمین نیازهای دنیوی و تسهیل امور انسان به کار می‌رود. برای شناسایی استعاره‌های مفهومی زندگی هم تمامی عبارات حاوی مفهوم «زندگی»، با تکیه بر نظریه استعاره‌های مفهومی، استخراج و تحلیل شد. سپس این استعاره‌ها از منظر حوزه‌های مبدأ بررسی گردید و سه حوزه مبدأ اصلی برای مفهوم «زندگی» در این کتاب شناسایی شد: «زندگی شیء است»، «زندگی مکان

۱. «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِبِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلَى، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا».

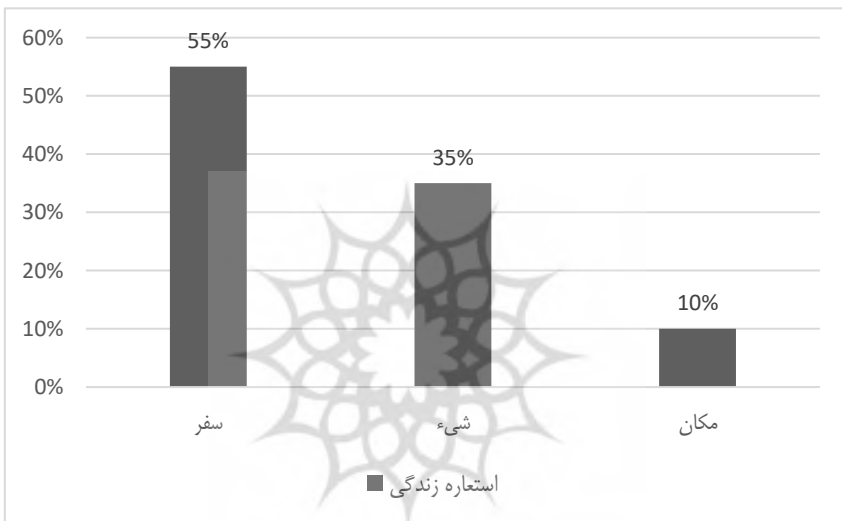
۲. «طَلِبًا لِمَا فِيهِ نَبَلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكَ الْأَجَلِ فِي أُخْرَاهُمْ».

۳. «ذَلِكَ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابَ، وَ تَسْبِيْتِ بِلَطْفِكَ الْأَسْبَابَ، وَ جَزَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءَ، وَ مَصَّنَتْ عَلَى إِزَادَتِكَ الْأَشْيَاءَ».

است» و «زندگی سفر است». در ادامه، هر یک از این حوزه‌های مبدأ، همراه با نمونه‌ای از صحیفه سجادیه ذکر خواهد شد:

• حوزه‌های مبدأ زندگی

- (۱) زندگی شیء است (به لطفش زندگی به ما بخشید).
- (۲) زندگی مکان است (در عین حالی که زندگی وسیعی دارند).
- (۳) زندگی سفر است (سفرم را به سوی رحمت قرار ده).



نمودار ۲: بسامد حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی زندگی در صحیفه سجادیه

در نمودار فوق، حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مفهومی مرتبط با زندگی دیده می‌شود. این نمودار، در مقایسه با استعاره‌های مفهومی مرگ، بسامد کمتری را نشان می‌دهد و بیانگر محدودیت نسبی استعاره‌های این حوزه است. در این میان، استعاره «زندگی سفر است» بیشترین بسامد را دارد و پس از آن، حوزه مبدأ «زندگی شیء است» با اختلافی اندک قرار می‌گیرد. در پایین‌ترین بخش نمودار، استعاره «زندگی مکان است» کمترین میزان بسامد را دارد.

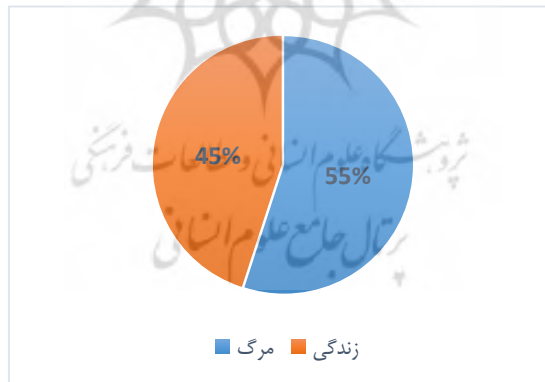
گفتیم که استعاره‌های مفهومی مرتبط با زندگی در این پژوهش، عمدتاً در سه حوزه مبدأ خلاصه می‌شود. علت اصلی آن تأکید ویژه بر «مرگ» و «حیات پس از آن» در صحیفه سجادیه است. این موضوع به معنای کم‌اهمیت تلقی کردن «زندگی» در این متن ارزشمند نیست، بلکه بر این اصل تأکید دارد که زندگی، مسیری

برای دست‌یابی به هدف غایی، یعنی آخرت، است. در حقیقت، هدف از آفرینش انسان، طی کردن این مسیر به بهترین نحو ممکن است.

کاربرد استعاره‌های مفهومی «زندگی به مثابه مسیر» و «زندگی به مثابه شیء» بیانگر ماهیت موقتی زندگی دنیوی و لذت‌های آن است. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که نبود مرگ و به عبارت دیگر، داشتن حیاتی جاودانه در دنیا، نه فقط امیدی برای انسان به همراه ندارد، بلکه زمینه‌ساز سرخوردگی و ناامیدی خواهد شد. تأمل هم‌زمان در مفهوم «مرگ» و «زندگی» و نگرستن به زندگی همچون مسیری برای رسیدن به آخرت، این فرصت را برای انسان فراهم می‌کند که بیشترین بهره را از این مسیر ببرد و زمینه‌ای برای آزمون، رشد و تعالی معنوی خود فراهم کند. در قرآن کریم هم بر این مفهوم تأکید شده و در آیات متعددی، زندگی دنیوی مقدمه‌ای برای حیات اخروی معرفی شده است، از جمله: «خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است»^۱ (ملک: ۲).

۳.۴. مقایسه استعاره‌های مفهومی مرگ و زندگی

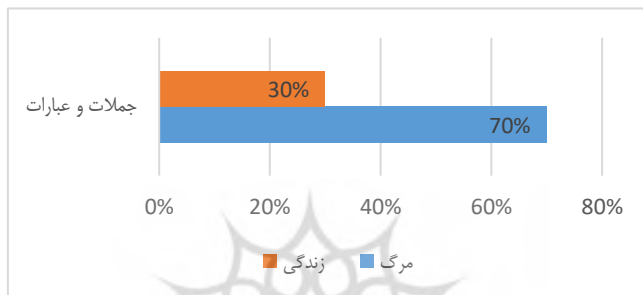
با توجه به بسامد استعاره‌های مفهومی مرگ و زندگی، در مجموع، در کتاب صحیفه سجاده، استعاره‌های مفهومی در حوزه مرگ بیش از حوزه زندگی استفاده شده است. بسامد این استعاره‌ها چنین است:



نمودار ۳: مقایسه بسامد استعاره‌های مفهومی مرگ و زندگی

۱. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ».

نتایج این نمودار نیز بر تأکید ویژه بر معنای زندگی، در راستای دستیابی به مقصد نهایی، یعنی مرگ و حیات پس از مرگ، صحنه می‌گذارد. البته در صحیفه سجادیه جملات متعددی حاوی مفاهیم مرتبط با مرگ و زندگی وجود دارد که چون خالی از استعاره‌های مفهومی است، از تحلیل خارج شده است. با این حال، عبارات و جملات ساده‌ای هم که فقط به مرگ و زندگی اشاره دارد از نظر بسامد، آماری نزدیک به استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد. در نمودار زیر، بسامد جملات حاوی مفاهیم «مرگ» و «زندگی» نمایش داده شده است:



نمودار ۴: مقایسه بسامد جملات و عبارات حاوی مفهوم مرگ و زندگی

در این نمودار هم بسامد عبارات و جملات حاوی مفهوم «مرگ» و «زندگی» بدون استعاره‌های مفهومی، نشان داده شده که حاکی از بیشتر بودن مفهوم «مرگ» نسبت به «زندگی» است. نمونه‌هایی از این عبارات چنین است: «بارالها! بر محمد و آل او درود فرست و ما را در امروز و امشب و در جمیع ایام زندگی برای انجام کار خیر موفق بدار» (فیض، ۱۳۸۰: ۱۵)؛ «از مراحل پس از مرگ چون آزمایش‌ها و سختی‌ها مانند افتادن در آتش و جاودانگی در آن معافشان داری» (رضایی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). این عبارات فقط به مرگ و زندگی اشاره کرده‌اند و استعاره‌ای در بر ندارند.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. بسامد استعاره‌های «مرگ» در صحیفه سجادیه بیشتر از استعاره‌های مربوط به «زندگی» است. این از جنبه‌ای نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که در این کتاب به مرگ و به تبع آن، به جهان آخرت داده شده است. شاید، در بدو امر، این اهمیت‌دادن به مرگ به نحو افراطی تفسیر شود و موجب کم‌اهمیت جلوه‌دادن

زندگی گردد. اما آموزه‌های صحیفه سجاده نشان می‌دهد زندگی همچون مسیری برای رسیدن به هدف نهایی، یعنی آخرت، در نظر گرفته شده است. لذا تأکید بر مرگ و آخرت در این کتاب از طریق استعاره‌های مفهومی به طور ملموس‌تر و فهم‌پذیرتر برای مخاطب بیان شده است.

۲. بررسی حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی زندگی نشان می‌دهد بیشترین بسامد به استعاره «زندگی سفر است» اختصاص دارد. در این استعاره، زندگی همچون مسیری به مقصد نهایی، یعنی آخرت، در نظر گرفته شده است. از این طریق، هدف از خلقت انسان و معنای زندگی برای مخاطب تسهیل می‌شود. استعاره سفر، به عنوان مفهومی ملموس و عینی، به طور مؤثر فرآیندهای پیچیده و انتزاعی همچون زندگی و هدف آن را فهم‌پذیر می‌کند.

۳. دومین استعاره استخراج شده درباره زندگی چنین است: «زندگی شیء است». این استعاره با تأکید بر بی‌پایانی و فانی بودن زندگی دنیوی، به بی‌اهمیتی آن در مقابل حیات اخروی اشاره دارد. بدین ترتیب زندگی وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی و مقصود اصلی در نظر گرفته می‌شود.

۴. در حوزه استعاره‌های مفهومی مرگ، مفهوم «مقصد» یا «هدف» بیشترین بسامد را دارد. در بسیاری از عبارات، مرگ نماد جهان آخرت و مقصد نهایی زندگی انسانی معرفی می‌شود. در این معنا مرگ یا به عبارتی آخرت، هدف غایی و نهایی از زیستن انسان است.

۵. این استعاره‌ها دارای تناسب و پیوستگی است و به گونه‌ای ساخته شده است که دو حوزه مبدأ «زندگی سفر است» و «مرگ هدف/ مقصد است» با بیشترین بسامد یکدیگر را تکمیل می‌کنند. به این معنا که هدف نهایی از زندگی همانند سفری است که مقصد نهایی اش رسیدن به سعادت‌مندی در جهان آخرت است.

۶. در آموزه‌های دینی، همچون قرآن کریم و سایر متون مذهبی، استعاره‌های مفهومی به طور خاصی به کار گرفته شده است تا مفاهیم پیچیده و انتزاعی برای مخاطب فهم‌پذیر باشد. استفاده از استعاره «زندگی سفر است» در صحیفه سجاده، به عنوان استعاره‌ای پُرکاربرد، نشان می‌دهد امام سجاد (ع) با استفاده از این ابزار، هدف و غایت زندگی را به طور ملموس‌تر و فهم‌پذیرتر برای مخاطبان بیان کرده‌اند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳). ترجمه مهدی الاهی قمشه‌ای، تهران: پیام عدالت.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.

- احمدی، فاطمه؛ اسدی اصل، علی؛ اسماعیلی زاده، عباس (۱۴۰۲). «برآیند یاد مرگ و معاد بر سلامت معنوی در ساحت کنش در صحیفه سجاده» در: فرهنگ و ارتقای سلامت، ش ۲۲، ص ۱۳۰-۱۳۷.
- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۶). متن کامل و ترجمه صحیفه مبارکه سجاده، تهران: فیض کاشانی.
- اسداللهی، خدابخش؛ عبدی، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی استعاره مفهومی زندگی در اشعار فروغ فرخزاد»، در: مطالعات نظریه و انواع ادبی، س ۲، ش ۱ (۴)، ص ۷-۲۴.
- انصاریان، حسین (۱۳۹۸). صحیفه سجاده، تهران: دارالعرفان.
- آریان، حسین؛ تلخابی، مهری (۱۳۹۹). «تحلیل مفهوم مرگ در شعر فروغ فرخزاد بر اساس نظریه استعاره شناختی»، در: مطالعات زبانی و بلاغی، ش ۲۲، ص ۷-۳۶.
- برکات، محمدرضا؛ کیانی نیا، فرزانه (۱۴۰۲). «تعبیر از معقول به محسوس در قرآن کریم: استعاره تصریحیه، مصادیق و دلالت‌های معنایی و زیبایی شناختی در سوره بقره»، در: مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، doi: 10.22034/sshq.2023.178954
- بنی‌عصار، امیر (۱۳۹۶). «نقش استعاره مفهومی در فهم آیات با تطبیق استعاره زندگی تجارت است»، در: ذهن، ش ۷۳، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- تصدیقی، سمیه (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی مفاهیم مرتبط با زندگی و مرگ در صحیفه سجاده و مثنوی مولانا از منظر شناختی»، در: عرفان‌پژوهی در ادبیات، ش ۱، ص ۵۹-۸۱.
- دده‌بیگی، محسن (۱۳۸۹). «مرگ در صحیفه سجاده»، در: بینات، ش ۶۸، ص ۱۲۵-۱۳۴.
- دراییگی، محسن (۱۳۹۱). «مرگ‌اندیشی در صحیفه کامله سجاده»، در: اندیشه نوین دینی، ش ۲۹، ص ۸۹-۱۰۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۴). لغت‌نامه، تهران: امیرکبیر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، دمشق: چاپ صفوان عدنان داوودی.
- رضایی، عبدالحسین (۱۳۹۷). شرح و ترجمه صحیفه سجاده امام سجاد (ع)، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام خمینی (ره).
- رضی، شریف (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
- سجودی، فرزانه؛ قنبری، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی شناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»، در: نقد ادبی، س ۵، ش ۱۹، ص ۱۳۵-۱۵۶.
- شادمان، یسرا؛ احمدی، محمدنبی؛ ملکیان، سحر (۱۴۰۰). «نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجاده از منظر زبان‌شناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون»، در: پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۱۱، ش ۲۴، ص ۱۲۱-۱۴۴.
- شریفی مقدم، آزاده (۱۳۹۸). «توجیه تقابل‌های استعاری حوزه مفهومی مرگ در قالب نظریه تصویرگویی»، در: زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش ۲۰، ص ۲۸۵-۳۱۱.
- شعبانلو، علی‌رضا (۱۳۹۸). «منشأ قرآنی استعاره‌های مفهومی مرگ در مثنوی مولوی»، در: مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ش ۱۱، ص ۳۹-۶۲.

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). بیان و معانی، تهران: فردوس.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی، زهرا؛ خسروی، امین (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم تکاملی مرگ در اشعار مولانا بر اساس نظریه استعاره شناختی مدل فرهنگی استعاره زنجیره بزرگ»، در: ادبیات عرفانی، س ۹، ش ۱۷، ص ۷-۲۹.
- غلامی برسمانی، سمانه (۱۳۹۴). بررسی ترجمه استعاره‌ها در ترجمه‌های انگلیسی صحیفه سجادیه، استاد راهنما: ایرج منشری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- فیض، ابوالحسن. (۱۳۸۰). ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، چاپ پنجم. تهران: انتشارات صدرا.
- قائمی، محمد مهدی؛ واعظی، احمد (۱۳۹۳). «حقیقت مرگ، مرگ‌اندیشی و معنای زندگی»، در: آیین حکمت، س ۶، ش ۲۰، ص ۱۵۵-۱۸۳.
- کوجش، زلتن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره از کوجش، ترجمه: ابراهیم شیرین‌پور، تهران: سمت.
- لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک (۱۳۹۷). استعاره‌هایی که باور داریم، ترجمه: راحله گندم‌کار، تهران: علمی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.
- نغزگوی کهن، مهرداد؛ داوری، شادی (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی، تهران: علمی.
- Chittick, W. (2008). *Al-Sahifah Al-Kamilah Al-Sajjadiyyah: The Psalms of Islam*, Qom: Ansarian Publication.
- Deignan, A. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging Evidence in Language and Communication Research*, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin Publication Company.
- Haig, Geoffrey; Rasekh-Mahand, Mohammad (2022). *HamBam: The Hamedan-Bamberg Corpus of Contemporary Spoken Persian*, Bamberg: University of Bamberg, available on: <https://multicast.aspra.uni-bamberg.de/resources/hambam/>
- Heine, B.; Claudi, U.; Hunnemeyer, F. (1991). *Grammaticalization: A Conceptual Framework*, Chicago: Chicago University Press.
- Jakobson, R.; Halle, M. (1956). *Fundamentals of Language*, The Hague: Mouton.
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A Practical Introduction*, Oxford: Oxford University Press, <https://doi.org/10.1075/msw.1.1.10mac>.
- Lakoff, G. Women (1987). *Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about Min*, Chicago: Chicago University Press.
- Lako., G.; Johnson, M. (1988). "Cognitive Semantics", In: *Umberto Eco & et al, Meaning and Mental Representation*, Indiana: Indiana University Press, pp. 119-154.
- Lako., G.; Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*, Chicago: The University of Chicago Press, IL.
- Muhani, S. A. (1984). *Al-Sahifah Al-Sajjadiyyah*, Iran: Islamic Propagation Organization.
- Trim, R. (2011). *Metaphor and the Historical Evolution of Conceptual Mapping*, New York: Palgrave Macmillan, <https://doi.org/10.1080/10926488.2014.859493>